



اداره

شاخص سازی

دومین نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان غربی



فهرست مطالب

عنوان

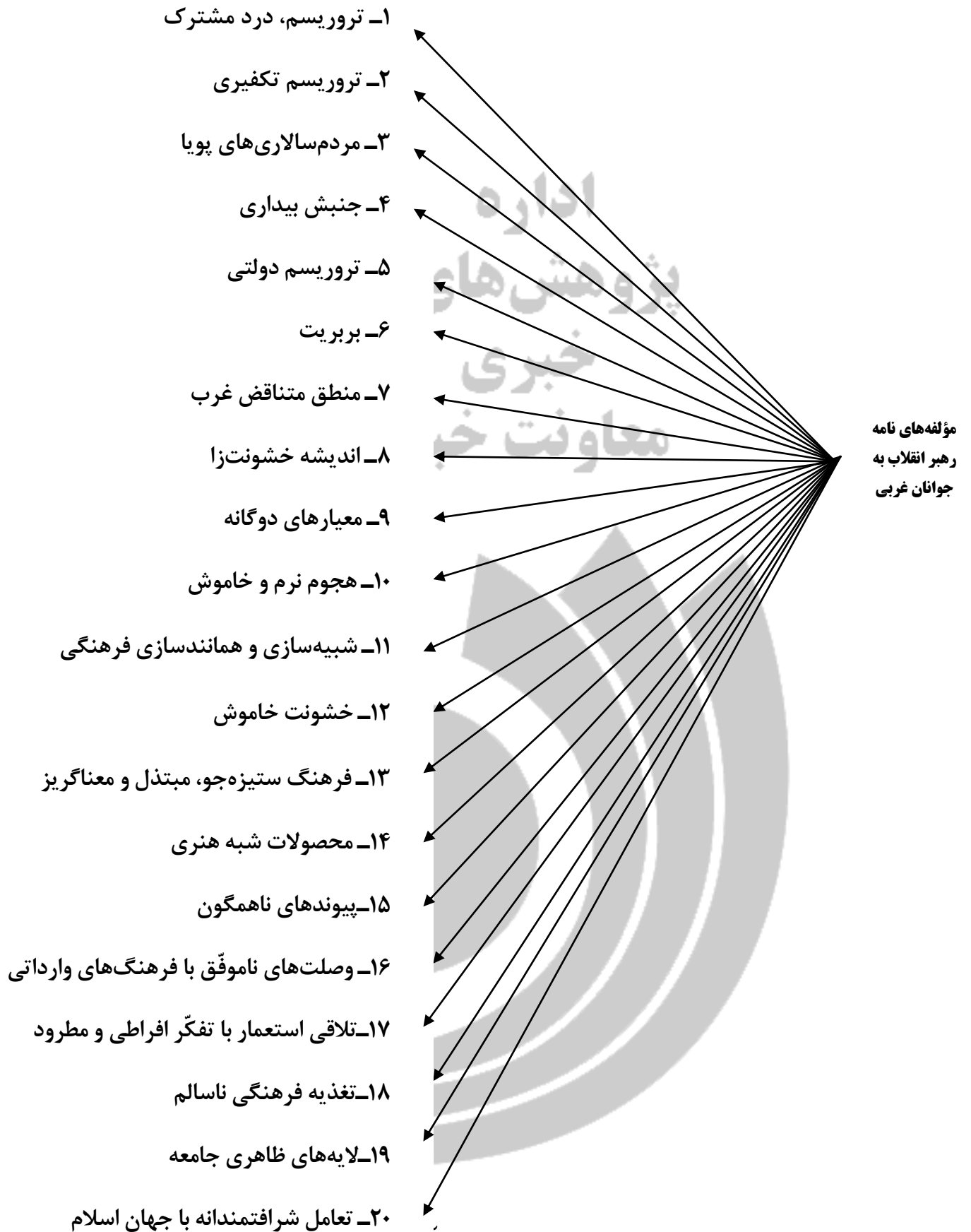
صفحه

- مقدمه ۱
- ۱- نمودار مؤلفه‌های قانونی نامه رهبر معظم انقلاب به عموم جوانان غربی ۲
- ۲- نمودار مهم‌ترین شاخص‌های محوری در نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان غربی ۳
- ۳- مهم‌ترین مفاهیم قانونی در نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان غربی ۴
- ۴- شاخص‌های محوری در نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان غربی ۵
- ۵- پرسش‌هایی که رهبر معظم انقلاب در نامه‌شان به جوانان غربی مطرح کردند ۸
- ۶- بررسی نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان غربی از زاویه آینده‌نگری و تحلیل محیطی ۹
- ۷- برخی از مهمترین مصادیق و موارد مرتبط با تروریسم در نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان غربی ۱۱

معاونت خیر

در این پژوهش با مطالعه و بررسی "نامه رهبر انقلاب اسلامی به عموم جوانان در کشورهای غربی"، مؤلفه‌های کانونی، شاخص‌های محوری، پرسش‌ها و شبهه‌ها و مصادیق مربوط، استخراج و به استناد عین عبارات آورده شده است. در بخش دیگر نیز بیانات رهبر معظم انقلاب در این باره از زاویه تحلیل محیطی و آینده‌نگری بررسی و در پایان، ملاحظات رسانه‌ای و پیشنهادهای برنامه‌سازی مرتبط، مطرح شده است. بستر اصلی سخن رهبر معظم انقلاب در این نامه، حوادث تلخی است که "تروریسم کور در فرانسه" را رقم زد و موضوع اصلی نامه نیز "همفکری درباره درد مشترک تروریسم و چاره‌اندیشی برای آینده‌ای با امنیت بیشتر" است. رهبر معظم انقلاب در بخش شاخص‌های محوری، از "منطق متناقض غرب در برخورد با تروریسم"، "همفکری و چاره‌اندیشی درباره تروریسم"، "ریشه‌های تروریسم"، "چگونگی مبارزه با تروریسم" و "تروریسم درد مشترک همه" سخن گفته‌اند. ایشان پرسش‌های مهمی نیز در این باره مطرح کرده‌اند که از جمله مهم‌ترین آنها این است: "چگونه ممکن است از یکی از اخلاقی‌ترین و انسانی‌ترین مکاتب دینی جهان زباله‌ای مثل داعش بیرون بیاید؟". در بخش مربوط به تحلیل محیطی و آینده‌نگری نیز، رهبر معظم انقلاب از "تعامل صحیح و شرافتمندانه با دنیای اسلام" سخن گفته‌اند و آن را "فرصتی برای به وجود آمدن اعتماد، امنیت و امید به آینده‌ای روشن" دانسته‌اند. در این پژوهش همچنین مصادیق و موارد مرتبط با تروریسم با استفاده از بیانات رهبر معظم انقلاب برشمرده شده است. پیش از این نیز، رهبر انقلاب اسلامی در دوم بهمن ۹۳ در پی وقوع حوادث تروریستی در فرانسه و به تبع آن موج اسلام‌هراسی، نامه‌ای به جوانان اروپا و آمریکای شمالی نوشته بودند. محتوای آن پیام با توجه به حوادث آن روز دنیای اسلام، موج افراط‌گری و تروریسم، تلاش غرب برای ایجاد اسلام‌هراسی و تخریب چهره رحمانی اسلام ناب محمدی و انتشار کاریکاتور موهن پیامبر اسلام (ص) در نشریه فرانسوی «شارلی ابدو» به منظور آگاهی بخشی به جوانان جهان به ویژه جوانان کشورهای غربی، منتشر شد. از جمله محورهای اصلی آن نامه "لزوم کاوش انگیزه‌های سیاه‌نمایی گسترده علیه اسلام" و "لزوم شناخت مستقیم و بی‌واسطه از دین اسلام" بود.

۱- نمودار مؤلفه‌های کانونی نامه رهبر معظم انقلاب به عموم جوانان غربی:



۲- نمودار مهم ترین شاخص های محوری در نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان غربی:

- ۱- حادثه تروریستی اخیر در فرانسه و حوادث تروریستی در فلسطین و عراق و لبنان و سوریه
- ۲- جان دادن کودک در برابر دیدگان عزیزانش
- ۳- مادری که شادی خانواده اش به عزا مبدل می شود
- ۴- شوهری که پیکر بی جان همسرش را شتابان به سوئی می برد
- ۵- تماشاگری که نمی داند تا لحظاتی دیگر آخرین پرده نمایش زندگی را خواهد دید

۱- چاره اندیشی برای مسائل دردناک (در فرانسه، در فلسطین و عراق و لبنان و سوریه):

۲- تشابه و تفاوت حادثه تروریستی فرانسه و حوادث مشابه در دنیای اسلام:

- ۱- تروریسم درد مشترک
- ۲- ابعاد وسیع تر حوادث تروریستی در دنیای اسلام
- ۳- حمایت قدرت های بزرگ از خشونت در دنیای اسلام

- ۱- نقش آمریکا در ایجاد یا تقویت و تسلیح القاعده، طالبان و دنباله های شوم آنان
- ۲- پشتیبانی از حامیان آشکار و شناخته شده تروریسم تکفیری
- ۳- پشتیبانی از تروریسم دولتی اسرائیل
- ۴- لشکرکشی های سال های اخیر به دنیای اسلام

۳- منطق متناقض غرب در برخورد با تروریسم:

نامه به جوانان غربی:

- ۱- اصلاح نکردن اندیشه خشونت زا در فرهنگ غرب (پرخاشگری، بی بندوباری اخلاقی، ستیزه جویی، ابتذال و معناگریزی)
- ۲- تسلط معیارهای دوگانه بر سیاست غرب درباره تروریسم
- ۳- ترجیح داشتن منافع دولت ها بر ارزش های انسانی و اخلاقی
- ۴- رسوخ ریشه های خشونت در اعماق سیاست های فرهنگی غرب
- ۵- پافشاری غرب بر همانندسازی فرهنگی جهان (داعش زائیده و صلت ناموفق با فرهنگ وارداتی)
- ۶- تلاقی استعمار با تفکرات افراطی و مطرود
- ۷- تغذیه فرهنگی ناسالم در محیط آلوده و مولد خشونت غرب (گرایش اروپایی ها به داعش)
- ۸- نفرت ناشی از نابرابری ها و احیاناً تبعیض های قانونی و ساختاری در دل قشرهایی از جوامع غربی

۴- ریشه های تروریسم:

۵- چگونگی مبارزه با تروریسم و خشونت:

- ۱- یافتن گره ها و کینه ها و زدودن آنها و ترمیم شکاف ها به جای تعمیق آنها
- ۲- پرهیز از هر حرکت هیجانی که جامعه مسلمان غرب را در انزوا یا اضطراب قرار دهد (مقررات وضع شده در اروپا درباره جاسوسی شهروندان علیه مسلمانان).
- ۳- پی ریزی بنیان های تعامل صحیح و شرافتمندانه با جهان اسلام

۳- مهم ترین مفاهیم کانونی در نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان غربی

ردیف	مفاهیم کانونی و نکات کلیدی	توضیح مفهوم به استناد عین بیانات
۱	تروریسم درد مشترک	«درست است که امروز تروریسم درد مشترک ما و شماست، اما لازم است بدانید که ناامنی و اضطرابی که در حوادث اخیر تجربه کردید، با رنجی که مردم عراق، یمن، سوریه، و افغانستان طی سال های متمادی تحمل کرده اند دو تفاوت عمده دارد».
۲	تروریسم تکفیری	«در کنار این پشتیبانی مستقیم، حامیان آشکار و شناخته شده تروریسم تکفیری، علی رغم داشتن عقب مانده ترین نظام های سیاسی، همواره در ردیف متحدان غرب جای گرفته اند»
۳	مردم سالاری های پویا	«این در حالی است که پیشروترین و روشن ترین اندیشه های برخاسته از مردم سالاری های پویا در منطقه، بی رحمانه مورد سرکوب قرار گرفته است».
۴	جنبش بیداری	«برخورد دوگانه غرب با جنبش بیداری در جهان اسلام، نمونه گویایی از تضاد در سیاست های غربی است».
۵	تروریسم دولتی	«چهره دیگر این تضاد، در پشتیبانی از تروریسم دولتی اسرائیل دیده می شود».
۶	بربریت	«این بربریت چون توسط نیروی نظامی یک دولت اشغالگر انجام می شود، نباید افراطی گری خوانده شود؟».
۷	منطق متناقض غرب	«با شاید این تصاویر فقط به این علت که شصت سال مکرراً از صفحه تلویزیون ها دیده شده، دیگر نباید وجدان ما را تحریک کند. لشکرکشی های سال های اخیر به دنیای اسلام که خود قربانیان بی شماری داشت، نمونه ای دیگر از منطق متناقض غرب است».
۸	اندیشه خشونت زا	«به نظر من نخستین مرحله در ایجاد امنیت و آرامش، اصلاح این اندیشه خشونت زاست».
۹	معیارهای دوگانه	«ا زمانی که معیارهای دوگانه بر سیاست غرب مسلط باشد، و تا وقتی که تروریسم در نگاه حامیان قدرتمندش به انواع خوب و بد تقسیم شود، و تا روزی که منافع دولت ها بر ارزش های انسانی و اخلاقی ترجیح داده شود، نباید ریشه های خشونت را در جای دیگر جستجو کرد».
۱۰	هجوم نرم و خاموش	«متأسفانه این ریشه ها طی سالیان متمادی، به تدریج در اعماق سیاست های فرهنگی غرب نیز رسوخ کرده و یک هجوم نرم و خاموش را سامان داده است».
۱۱	شبیه سازی و همانند سازی فرهنگی	«اما در دوره معاصر، جهان غرب با بهره گیری از ابزارهای پیشرفته، بر شبیه سازی و همانند سازی فرهنگی جهان پافشاری می کند».
۱۲	خشونت خاموش	«من تحمیل فرهنگ غرب بر سایر ملت ها و کوچک شمردن فرهنگ های مستقل را یک خشونت خاموش و بسیار زیان بار تلقی می کنم».
۱۳	فرهنگ ستیزه جو، مبتذل و معناگریز	«اینک سؤال این است که اگر ما یک فرهنگ ستیزه جو، مبتذل و معناگریز را نخواهیم، گنجه کاریم؟».
۱۴	محصولات شبه هنری	«اگر مانع سیل ویرانگری شویم که در قالب انواع محصولات شبه هنری به سوی جوانان ما روانه می شود، مقصّریم؟».
۱۵	پیوندهای ناهمگون	«من اهمیت و ارزش پیوندهای فرهنگی را انکار نمی کنم. این پیوندها هر گاه در شرایط طبیعی و با احترام به جامعه پذیرا صورت گرفته، رشد و بالندگی و غنا را به ارمغان آورده است. در مقابل، پیوندهای ناهمگون و تحمیلی، ناموفق و خسارت بار بوده است».
۱۶	وصلت های ناموفق با فرهنگ های وارداتی	«با کمال تأسف باید بگویم که گروه های فرومایه ای مثل داعش، زائیده این گونه وصلت های ناموفق با فرهنگ های وارداتی است. اگر مشکل واقعاً عقیدتی بود، می بایست پیش از عصر استعمار نیز نظیر این پدیده ها در جهان اسلام مشاهده می شد، درحالی که تاریخ، خلاف آن را گواهی می دهد».
۱۷	تلاقی استعمار با تفکر افراطی و مطرود	«مستندات مسلم تاریخی به روشنی نشان می دهد که چگونه تلاقی استعمار با یک تفکر افراطی و مطرود، آن هم در دل یک قبیله بدوی، بذر تندروی را در این منطقه کاشت. وگرنه چگونه ممکن است از یکی از اخلاقی ترین و انسانی ترین مکاتب دینی جهان که در متن بنیادین خود، گرفتن جان یک انسان را به مثابه کشتن همه بشریت می داند، زباله ای مثل داعش بیرون بیاید؟».
۱۸	تغذیه فرهنگی ناسالم	«قطعاً نباید تأثیر یک عمر تغذیه فرهنگی ناسالم در محیط آوده و مولد خشونت را فراموش کرد».
۱۹	لایه های ظاهری جامعه	«به هر حال این شما هستید که باید لایه های ظاهری جامعه خود را بشکافید، گره ها و کینه ها را بیابید و بزدا کنید. شکاف ها را به جای تعمیق، باید ترمیم کرد».
۲۰	تعامل شرافتمندانه با جهان اسلام	«بنابر این من از شما جوانان می خواهم که بر مبنای یک شناخت درست و با ژرف بینی و استفاده از تجربه های ناگوار، بنیان های یک تعامل صحیح و شرافتمندانه را با جهان اسلام بی ریزی کنید».

۴- شاخص‌های محوری در نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان غربی

ردیف	موضوع	مهم ترین محورها	مستندات
۱	- چاره اندیشی برای مسائل دردناک (چه در فرانسه، چه در فلسطین و عراق و لبنان و سوریه):	۱- حادثه تروریستی اخیر در فرانسه ۲- جان دادن کودک در برابر دیدگان عزیزانش ۳- مادری که شادی خانواده اش به عزا مبدل می شود ۴- شوهری که پیکر بی جان همسرش را شتابان به سوئی می برد ۵- تماشاگری که نمی داند تا لحظاتی دیگر آخرین پرده نمایش زندگی را خواهد دید	«واقعیت این است که اگر مسائل دردناک، زمینه‌ای برای چاره‌اندیشی و محملی برای همفکری فراهم نکنند، خسارت دوچندان خواهد شد. رنج هر انسانی در هر نقطه از جهان، به خودی خود برای هموعان اندوه‌بار است. منظره کودکی که در برابر دیدگان عزیزانش جان می دهد، مادری که شادی خانواده اش به عزا مبدل می شود، شوهری که پیکر بی جان همسرش را شتابان به سوئی می برد، و یا تماشاگری که نمی داند تا لحظاتی دیگر آخرین پرده نمایش زندگی را خواهد دید، مناظری نیست که عواطف و احساسات انسانی را برنانگیزد. هرکس که از محبت و انسانیت بهره‌ای برده باشد، از دیدن این صحنه‌ها متأثر و متألم می شود؛ چه در فرانسه رخ دهد، چه در فلسطین و عراق و لبنان و سوریه. قطعاً یک ونیم میلیارد مسلمان همین احساس را دارند و از عاملان و مسببان این فجایع، منزجر و بیزارند. اما مسئله این است که رنج‌های امروز اگر مایه ساختن فردایی بهتر و ایمن تر نشود، فقط به خاطره‌هایی تلخ و بی ثمر فرو خواهد کاست. من ایمان دارم که تنها شما جوان‌ها هستید که با درس گرفتن از ناملایمات امروز، قادر خواهید بود راه‌هایی نو برای ساخت آینده بیابید و سد بیراهه‌هایی شوید که غرب را به نقطه کنونی رسانده است».
۲	- تشابه و تفاوت حادثه تروریستی فرانسه و حوادث مشابه در دنیای اسلام:	۱- تروریسم درد مشترک ۲- ابعاد وسیع تر حوادث تروریستی در دنیای اسلام ۳- حمایت قدرت‌های بزرگ از خشونت در دنیای اسلام	«درست است که امروز تروریسم درد مشترک ما و شماست، اما لازم است بدانید که ناامنی و اضطرابی که در حوادث اخیر تجربه کردید، با رنجی که مردم عراق، یمن، سوریه، و افغانستان طی سال‌های متمادی تحمل کرده‌اند دو تفاوت عمده دارد؛ نخست اینکه دنیای اسلام در ابعادی به مراتب وسیع‌تر، در حجمی انبوه‌تر و به مدت بسیار طولانی‌تر قربانی وحشت‌افکنی و خشونت بوده است؛ و دوم اینکه متأسفانه این خشونت‌ها همواره از طرف برخی از قدرت‌های بزرگ به شیوه‌های گوناگون و به شکل مؤثر حمایت شده است».
۳	- منطق متناقض غرب در برخورد با تروریسم:	۱- نقش آمریکا در ایجاد یا تقویت و تسلیح القاعده، طالبان و دنباله‌های شوم آنان ۲- پشتیبانی از حامیان آشکار و شناخته‌شده تروریسم تکفیری ۳- پشتیبانی از تروریسم دولتی اسرائیل ۴- لشکرکشی‌های سال‌های اخیر به دنیای اسلام	«امروز کمتر کسی از نقش ایالات متحده آمریکا در ایجاد یا تقویت و تسلیح القاعده، طالبان و دنباله‌های شوم آنان بی‌اطلاع است. در کنار این پشتیبانی مستقیم، حامیان آشکار و شناخته‌شده تروریسم تکفیری، علی‌رغم داشتن عقب‌مانده‌ترین نظام‌های سیاسی، همواره در ردیف متحدان غرب جای گرفته‌اند، و این در حالی است که پیشروترین و روشن‌ترین اندیشه‌های برخاسته از مردم سالاری‌های پویا در منطقه، بی‌رحمانه مورد سرکوب قرار گرفته است. برخورد دوگانه غرب با جنبش بیداری در جهان اسلام، نمونه‌گویی از تضاد در سیاست‌های غربی است. چهره دیگر این تضاد، در پشتیبانی از تروریسم دولتی اسرائیل دیده می‌شود. مردم ستمدیده فلسطین بیش از شصت سال است که بدترین نوع تروریسم را تجربه می‌کنند. اگر مردم اروپا اکنون چند روزی در خانه‌های خود پناه می‌گیرند و از حضور در مجامع و مراکز جمعیت پرهیز می‌کنند، یک خانواده فلسطینی ده‌ها سال است که حتی در خانه خود از ماشین کشتار و تخریب رژیم صهیونیست در امان نیست. امروزه چه نوع خشونت‌هایی می‌توان از نظر شدت قساوت با شهرک‌سازی‌های رژیم صهیونیست مقایسه کرد؟ این رژیم بدون اینکه هرگز به طور جدی و مؤثر مورد سرزنش متحدان پرنفوذ خود و یا لاقط نهادهای به ظاهر مستقل بین‌المللی قرار گیرد، هر روز خانه فلسطینیان را ویران و باغ‌ها و مزارعشان را نابود می‌کند، بی‌آنکه حتی فرصت انتقال اسباب زندگی یا مجال جمع‌آوری محصول کشاورزی را به آنان بدهد؛ و

ردیف	موضوع	مهم ترین محورها	مستندات
		<p>اداره پژوهش‌های خبری معاونت خبری</p>	<p>همه اینها اغلب در برابر دیدگان وحشت‌زده و چشمان اشک‌بار زنان و کودکانی روی می دهد که شاهد ضرب و جرح اعضای خانواده خود و در مواردی انتقال آنها به شکنجه‌گاه‌های مخوف اند. آیا در دنیای امروز، قساوت دیگری را در این حجم و ابعاد و با این تداوم زمانی می شناسید؟ به گلوله بستن بانویی در وسط خیابان فقط به جرم اعتراض به سرباز تا دندان مسلح، اگر تروریسم نیست پس چیست؟ این بربریت چون توسط نیروی نظامی یک دولت اشغالگر انجام می شود، نباید افراطی گری خوانده شود؟ یا شاید این تصاویر فقط به این علت که شصت سال مکرراً از صفحه تلویزیون‌ها دیده شده، دیگر نباید وجدان ما را تحریک کند. لشکرکشی‌های سال‌های اخیر به دنیای اسلام که خود قربانیان بی شماری داشت، نمونه‌ای دیگر از منطق متناقض غرب است. کشورهای مورد تهاجم، علاوه بر خسارت‌های انسانی، زیرساخت‌های اقتصادی و صنعتی خود را از دست داده اند، حرکت آنها به سوی رشد و توسعه به توقف یا کندی گراییده، و در مواردی ده‌ها سال به عقب برگشته‌اند؛ با وجود این، گستاخانه از آنان خواسته می شود که خود را ستم‌دیده ندانند. چگونه می توان کشوری را به ویرانه تبدیل کرد و شهر و روستایش را به خاکستر نشانند، سپس به آنها گفت که لطفاً خود را ستم‌دیده ندانید! به جای دعوت به تفهیم‌دین و یا از یاد بردن فاجعه‌ها، آیا عذرخواهی صادقانه بهتر نیست؟ زنجی که در این سال‌ها دنیای اسلام از دورویی و چهره‌آرایی مهاجمان کشیده است، کمتر از خسارت‌های مادی نیست.»</p>
۴	<p>– ریشه‌های تروریسم:</p>	<p>۱- اصلاح نکردن اندیشه خشونت‌زا در فرهنگ غرب (پرخاشگری، بی بندوباری اخلاقی، ستیزه جویی، ابتذال و معناگریزی) ۲- تسلط معیارهای دوگانه بر سیاست غرب درباره تروریسم ۳- ترجیح داشتن منافع دولت‌ها بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی ۴- رسوخ ریشه‌های خشونت در اعماق سیاست‌های فرهنگی غرب ۵- پافشاری غرب بر همانندسازی فرهنگی جهان (داعش زاییده وصلت ناموفق با فرهنگ وارداتی) ۶- تلاقی استعمار با تفکرات افراطی و مطرود ۷- تغذیه فرهنگی ناسالم در محیط آلوده و مولد خشونت غرب (گرایش اروپایی‌ها به داعش) ۸- نفرت ناشی از نابرابری‌ها و احیاناً تبعیض‌های قانونی و ساختاری در دل قشرهایی از جوامع غربی</p>	<p>« جوانان عزیز! من امید دارم که شما در حال یا آینده، این ذهنیت آلوده به تزویر را تغییر دهید؛ ذهنیتی که هنرش پنهان کردن اهداف دور و آراستن اغراض مودبانه است. به نظر من نخستین مرحله در ایجاد امنیت و آرامش، اصلاح این اندیشه خشونت‌زا است. تا زمانی که معیارهای دوگانه بر سیاست غرب مسلط باشد، و تا وقتی که تروریسم در نگاه حامیان قدرتمندش به انواع خوب و بد تقسیم شود، و تا روزی که منافع دولت‌ها بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی ترجیح داده شود، نباید ریشه‌های خشونت را در جای دیگر جستجو کرد. متأسفانه این ریشه‌ها طی سالیان متمادی، به تدریج در اعماق سیاست‌های فرهنگی غرب نیز رسوخ کرده و یک هجوم نرم و خاموش را سامان داده است. بسیاری از کشورهای دنیا به فرهنگ بومی و ملی خود افتخار می کنند، فرهنگ‌هایی که در عین بالندگی و زایش، صدها سال جوامع بشری را به خوبی تغذیه کرده است؛ دنیای اسلام نیز از این امر مستثنا نبوده است. اما در دوره معاصر، جهان غرب با بهره‌گیری از ابزارهای پیشرفته، بر شبیه‌سازی و همانندسازی فرهنگی جهان پافشاری می کند. من تحمیل فرهنگ غرب بر سایر ملت‌ها و کوچک شمردن فرهنگ‌های مستقل را یک خشونت خاموش و بسیار زیان‌بار تلقی می کنم. تحقیر فرهنگ‌های غنی و اهانت به محترم‌ترین بخش‌های آنها در حالی صورت می گیرد که فرهنگ جایگزین، به هیچ‌وجه از ظرفیت جانشینی برخوردار نیست. به طور مثال، دو عنصر «پرخاشگری» و «بی‌بندوباری اخلاقی» که متأسفانه به مؤلفه‌های اصلی فرهنگ غربی تبدیل شده است، مقبولیت و جایگاه آن را حتی در خاستگاهش تنزل داده است. اینک سؤال این است که اگر ما یک فرهنگ ستیزه‌جو، مبتذل و معناگریز را نخواهیم، گنجه‌کاریم؟ اگر مانع سیل ویرانگری شویم که در قالب انواع محصولات شبه هنری به سوی جوانان ما روانه می شود، مقصّریم؟ من اهمیت و ارزش پیوندهای فرهنگی را انکار نمی کنم. این پیوندها هر گاه در شرایط طبیعی و با احترام به جامعه پذیرا صورت</p>

ردیف	موضوع	مهم ترین محورها	مستندات
			<p>گرفته، رشد و بالندگی و غنا را به ارمغان آورده است. در مقابل، پیوندهای ناهمگون و تحمیلی، ناموفق و خسارت بار بوده است. با کمال تأسف باید بگویم که گروه‌های فرومایه‌ای مثل داعش، زاینده این گونه وصلت های ناموفق با فرهنگ های وارداتی است. اگر مشکل واقعاً عقیدتی بود، می بایست پیش از عصر استعمار نیز نظیر این پدیده‌ها در جهان اسلام مشاهده می شد، درحالی که تاریخ، خلاف آن را گواهی می دهد. مستندات مسلم تاریخی به روشنی نشان می دهد که چگونه تلافی استعمار با یک تفکر افراطی و مطرود، آن‌هم در دل یک قبیله بدوی، بذر تندروی را در این منطقه کاشت. وگرنه چگونه ممکن است از یکی از اخلاقی ترین و انسانی ترین مکاتب دینی جهان که در متن بنیادین خود، گرفتن جان یک انسان را به مثابه کشتن همه بشریت می داند، زباله ای مثل داعش بیرون بیاید؟ از طرف دیگر باید پرسید چرا کسانی که در اروپا متولد شده‌اند و در همان محیط، پرورش فکری و روحی یافته‌اند، جذب این نوع گروه‌ها می شوند؟ آیا می توان باور کرد که افراد با یکی دو سفر به مناطق جنگی، ناگهان آن قدر افراطی شوند که هم‌وطنان خود را گلوله باران کنند؟ قطعاً نباید تأثیر یک عمر تغذیه فرهنگی ناسالم در محیط آلوده و مولد خشونت را فراموش کرد. باید در این زمینه تحلیلی جامع داشت، تحلیلی که آلودگی های پیدا و پنهان جامعه را بیابد. شاید نفرت عمیقی که طی سال های شکوفایی صنعتی و اقتصادی، در اثر نابرابری ها و احیاناً تبعیض های قانونی و ساختاری در دل اقشاری از جوامع غربی کاشته شده، عقده هایی را ایجاد کرده که هر از چندی بیمارگونه به این صورت گشوده می شود».</p>
۵	<p>– چگونگی مبارزه با تروریسم و خشونت:</p>	<p>۱- یافتن گره‌ها و کینه‌ها و زدودن آنها و ترمیم شکاف‌ها به جای تعمیق آنها ۲- پرهیز از هر حرکت هیجانی که جامعه مسلمان غرب را در انزوا یا اضطراب قرار دهد (مقررات وضع شده در اروپا درباره جاسوسی شهروندان علیه مسلمانان). ۳- پی ریزی بنیان های تعامل صحیح و شرافتمندانه با جهان اسلام</p>	<p>– «به‌رحال این شما هستید که باید لایه‌های ظاهری جامعه خود را بشکافید، گره‌ها و کینه‌ها را بیابید و بزدايید. شکاف‌ها را به جای تعمیق، باید ترمیم کرد. اشتباه بزرگ در مبارزه با تروریسم، واکنش های عجولانه‌ای است که گسست های موجود را افزایش دهد. هر حرکت هیجانی و شتاب زده که جامعه مسلمان ساکن اروپا و آمریکا را که متشکل از میلیون‌ها انسان فعال و مسئولیت پذیر است، در انزوا یا هراس و اضطراب قرار دهد و بیش از گذشته آنان را از حقوق اصلی شان محروم سازد و از صحنه اجتماع کنار گذارد، نه تنها مشکل را حل نخواهد کرد بلکه فاصله ها را عمق، و کدورت ها را وسعت خواهد داد. تدابیر سطحی و واکنشی – مخصوصاً اگر وجهت قانونی بیابد – جز اینکه با افزایش قطب‌بندی‌های موجود، راه را بر بحران های آینده بگشاید، ثمر دیگری نخواهد داشت. طبق اخبار رسیده، در برخی از کشورهای اروپایی مقرراتی وضع شده است که شهروندان را به جاسوسی علیه مسلمانان وا می دارد؛ این رفتارها ظالمانه است و همه می دانیم که ظلم، خواه‌ناخواه خاصیت برگشت پذیری دارد. وانگهی مسلمانان، شایسته این ناسپاسی ها نیستند. دنیای باختر قرن هاست که مسلمانان را به خوبی می شناسد؛ هم آن روز که غربیان در خاک اسلام میهمان شدند و به ثروت صاحبخانه چشم دوختند، و هم روز دیگر که میزبان بودند و از کار و فکر مسلمانان بهره جستند، اغلب جز مهربانی و شکیبایی ندیدند. بنابراین من از شما جوانان می خواهم که بر مبنای یک شناخت درست و با ژرف بینی و استفاده از تجربه های ناگوار، بنیان های یک تعامل صحیح و شرافتمندانه را با جهان اسلام پی ریزی کنید. در این صورت، در آینده‌ای نه‌چندان دور خواهید دید بنایی که بر چنین شالوده‌ای استوار کرده‌اید، سایه اطمینان و اعتماد را بر سر معمارانش می گستراند، گرمای امنیت و آرامش را به آنان هدیه می دهد، و فروغ</p>

ردیف	موضوع	مهم ترین محورها	مستندات
			امید به آینده‌ای روشن را بر صفحه گیتی می تاباند.

۵- پرسش‌هایی که رهبر معظم انقلاب در نامه‌شان به جوانان غربی مطرح کردند

ردیف	عنوان پرسش یا شبهه	محور پاسخ	پاسخ رهبر انقلاب به استناد عین عبارات
۱	تفاوت اضطراب غرب در حادثه اخیر فرانسه با رنج دنیای اسلام؟	ابعاد وسیع‌تر خشونت در دنیای اسلام و حمایت قدرت‌ها	«لازم است بدانید که ناامنی و اضطرابی که در حوادث اخیر تجربه کردید، با رنجی که مردم عراق، یمن، سوریه، و افغانستان طی سال‌های متمادی تحمل کرده اند دو تفاوت عمده دارد؛ نخست اینکه دنیای اسلام در ابعادی به مراتب وسیع‌تر، در حجمی انبوه‌تر و به مدت بسیار طولانی‌تر قربانی وحشت‌افکنی و خشونت بوده است؛ و دوم اینکه متأسفانه این خشونت‌ها همواره از طرف برخی از قدرت‌های بزرگ به شیوه‌های گوناگون و به شکل مؤثر حمایت شده است.»
۲	چه نوع خشونت‌هایی را می‌توان با شهرک‌سازی‌های رژیم صهیونیست مقایسه کرد؟ به گلوله بستن بانویی در وسط خیابان فقط به جرم اعتراض به سرباز تا دندان مسلح، اگر تروریسم نیست پس چیست؟ این بربریت چون توسط نیروی نظامی یک دولت اشغالگر انجام می‌شود، نباید افراطی‌گری خوانده شود؟	در دنیای امروز قساوت در این حجم و ابعاد سراغ نداریم	«امروزه چه نوع خشونت‌هایی را می‌توان از نظر شدت قساوت با شهرک‌سازی‌های رژیم صهیونیست مقایسه کرد؟ این رژیم بدون اینکه هرگز به طور جدی و مؤثر مورد سرزنش متحدها، پرنفوذ خود و یا لاقط نهادهای به ظاهر مستقل بین‌المللی قرار گیرد، هر روز خانه فلسطینیان را ویران و باغ‌ها و مزارعشان را نابود می‌کند، بی‌آنکه حتی فرصت انتقال اسباب زندگی یا مجال جمع‌آوری محصول کشاورزی را به آنان بدهد؛ و همه اینها اغلب در برابر دیدگان وحشت‌زده و چشمان اشک‌بار زنان و کودکانی روی می‌دهد که شاهد ضرب و جرح اعضای خانواده خود و در مواردی انتقال آنها به شکنجه‌گاه‌های مخوف اند. آیا در دنیای امروز، قساوت دیگری را در این حجم و ابعاد و با این تداوم زمانی می‌شناسید؟ به گلوله بستن بانویی در وسط خیابان فقط به جرم اعتراض به سرباز تا دندان مسلح، اگر تروریسم نیست پس چیست؟ این بربریت چون توسط نیروی نظامی یک دولت اشغالگر انجام می‌شود، نباید افراطی‌گری خوانده شود؟ یا شاید این تصاویر فقط به این علت که شصت سال مکرراً از صفحه تلویزیون‌ها دیده شده، دیگر نباید وجدان ما را تحریک کند. لشکرکشی‌های سال‌های اخیر به دنیای اسلام که خود قربانیان بی‌شماری داشت، نمونه‌ای دیگر از منطق متناقض غرب است.»
۳	اگر ما یک فرهنگ ستیزه‌جو، مبتذل و معناگریز را نخواهیم، گنهکاریم؟ اگر مانع سیل ویرانگری شویم که در قالب انواع محصولات شبه هنری به سوی جوانان ما روانه می‌شود، مقصّریم؟ من اهمیت و ارزش پیوندهای فرهنگی را انکار نمی‌کنم. این پیوندها هر گاه در شرایط طبیعی و با احترام به جامعه پذیرا صورت گرفته، رشد و بالندگی و غنا را به ارمغان آورده است. در مقابل، پیوندهای ناهمگون و تحمیلی، ناموفق و خسارت‌بار بوده است. با کمال تأسف باید بگویم که گروه‌های فرومایه‌ای مثل داعش، زاینده این‌گونه وصلت‌های ناموفق با فرهنگ‌های وارداتی است. اگر مشکل واقعاً عقیدتی بود، می‌بایست پیش از عصر استعمار نیز نظیر این پدیده‌ها در جهان اسلام مشاهده می‌شد، درحالی‌که تاریخ، خلاف آن را گواهی می‌دهد. مستندات مسلم تاریخی به روشنی نشان می‌دهد که چگونه تلافی استعمار با یک تفکر افراطی و مطرود، آن هم در دل یک قبیله بدوی، بذرتندروی را در این منطقه کاشت. وگرنه چگونه ممکن است از یکی از اخلاقی‌ترین و انسانی‌ترین مکاتب دینی جهان که در متن بنیادین خود، گرفتن جان یک انسان را به مثابه کشتن همه بشریت می‌داند، زباله‌ای مثل داعش بیرون بیاید؟	پیوندهای ناهمگون و تحمیلی، ناموفق و خسارت‌بار بوده است	

ردیف	عنوان پرسش یا شبهه	محور پاسخ	پاسخ رهبر انقلاب به استناد عین عبارات
۴	چرا کسانی که در اروپا متولد شده‌اند و در همان محیط، پرورش فکری و روحی یافته‌اند، جذب گروه‌های تروریستی می‌شوند؟ - آیا می‌توان باور کرد که افراد با یکی دو سفر به مناطق جنگی، ناگهان آن‌قدر افراطی شوند که هم‌وطنان خود را گلوله‌باران کنند؟	نباید تأثیر یک عمر تغذیه فرهنگی ناسالم در محیط آلوده و مولد خشونت را فراموش کرد	- «از طرف دیگر باید پرسید چرا کسانی که در اروپا متولد شده‌اند و در همان محیط، پرورش فکری و روحی یافته‌اند، جذب این نوع گروه‌ها می‌شوند؟ آیا می‌توان باور کرد که افراد با یکی دو سفر به مناطق جنگی، ناگهان آن‌قدر افراطی شوند که هم‌وطنان خود را گلوله‌باران کنند؟ قطعاً نباید تأثیر یک عمر تغذیه فرهنگی ناسالم در محیط آلوده و مولد خشونت را فراموش کرد. باید در این زمینه تحلیلی جامع داشت، تحلیلی که آلودگی‌های پیدا و پنهان جامعه را بیابد. شاید نفرت عمیقی که طی سال‌های شکوفایی صنعتی و اقتصادی، در اثر نابرابری‌ها و احیاناً تبعیض‌های قانونی و ساختاری در دل اقشاری از جوامع غربی کاشته شده، عقده‌هایی را ایجاد کرده که هر از چندی بیمارگونه به این صورت گشوده می‌شود.»
۵	آیا تدابیر سطحی و واکنشی در قبال خشونت، ثمری خواهد داشت؟	راه را بر بحران‌های آینده می‌گشاید	- «تدابیر سطحی و واکنشی - مخصوصاً اگر وجهت قانونی بیابد - جز اینکه با افزایش قطب‌بندی‌های موجود، راه را بر بحران‌های آینده بگشاید، ثمر دیگری نخواهد داشت. طبق اخبار رسیده، در برخی از کشورهای اروپایی مقرراتی وضع شده است که شهروندان را به جاسوسی علیه مسلمانان و امی دارد؛ این رفتارها ظالمانه است و همه می‌دانیم که ظلم، خواه‌ناخواه خاصیت برگشت‌پذیری دارد.»

۶- بررسی نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان غربی از زاویه آینده‌نگری و تحلیل محیطی

ردیف	موضوع	محور	مستندات
۱	چاره‌اندیشی نکردن درباره مسائل دردناک تروریستی	تهدید: به بار آمدن خسارت دوچندان و خاطره‌هایی تلخ	- «واقعیت این است که اگر مسائل دردناک، زمینه‌ای برای چاره‌اندیشی و محملی برای همفکری فراهم نکنند، خسارت دوچندان خواهد شد. رنج هر انسانی در هر نقطه از جهان، به خودی خود برای هموعان آندوه‌بار است. منظره کودکی که در برابر دیدگان عزیزانش جان می‌دهد، مادری که شادی خانواده‌اش به عزا مبدل می‌شود، شوهری که پیکر بی‌جان همسرش را شتابان به سوی می‌برد، و یا تماشاگری که نمی‌داند تا لحظاتی دیگر آخرین پرده نمایش زندگی را خواهد دید، مناظری نیست که عواطف و احساسات انسانی را برنینگیزد... اما مسئله این است که رنج‌های امروز اگر مایه ساختن فردایی بهتر و ایمن‌تر نشود، فقط به خاطره‌هایی تلخ و بی‌ثمر فرو خواهد کاست.»
۲	درس گرفتن جوانان از نامالیقات امروز	فرصت: سد شدن در مقابل بیراهه‌هایی که غرب را به نقطه کنونی رسانده	- «من ایمان دارم که تنها شما جوان‌ها هستید که با درس گرفتن از نامالیقات امروز، قادر خواهید بود راه‌هایی نو برای ساخت آینده بیابید و سد بیراهه‌هایی شوید که غرب را به نقطه کنونی رسانده است.»
۳	منطق متناقض غرب در برخورد با تروریسم	تهدید: خسارت‌های انسانی و متوقف شدن حرکت توسعه‌ای کشورهای مورد تهاجم	- «کشورهای مورد تهاجم، علاوه بر خسارت‌های انسانی، زیرساخت‌های اقتصادی و صنعتی خود را از دست داده‌اند، حرکت آنها به سوی رشد و توسعه به توقف یا کندی گراییده، و در مواردی ده‌ها سال به عقب برگشته‌اند؛ با وجود این، گستاخانه از آنان خواسته می‌شود که خود را ستم‌دیده ندانند.»
۴	هماندس‌سازی فرهنگی:	تهدید: به وجود آمدن گروه‌های فروماپه‌ای مانند داعش	- «اما در دوره معاصر، جهان غرب با بهره‌گیری از ابزارهای پیشرفته، بر شبیه‌سازی و همانندسازی فرهنگی جهان پافشاری می‌کند. من تحمیل فرهنگ غرب بر سایر ملت‌ها و کوچک شمردن فرهنگ‌های مستقل را یک خشونت خاموش و بسیار زیان‌بار تلقی می‌کنم. تحقیر فرهنگ‌های غنی و اهانت به محترم‌ترین بخش‌های آنها در حالی صورت می‌گیرد که فرهنگ جایگزین، به هیچ‌وجه از ظرفیت جانشینی برخوردار نیست. به طور مثال، دو عنصر «پرخاشگری» و «بی‌بندوباری اخلاقی» که متأسفانه به مؤلفه‌های اصلی فرهنگ غربی تبدیل شده است، مقبولیت و جایگاه آن را حتی در خاستگاهش تنزل داده است. اینک سؤال این است که اگر ما یک فرهنگ سستیزه‌جو، مبتذل و معناگریز را نخواهیم، گنه‌کاریم؟ اگر مانع سیل ویرانگری شویم که در قالب انواع محصولات شبه هنری به سوی جوانان ما روانه می‌شود، مقصّریم؟ من اهمیت و ارزش پیوندهای فرهنگی را انکار نمی‌کنم. این پیوندها هر گاه در شرایط طبیعی و با احترام به جامعه پذیرا صورت گرفته، رشد و بالندگی و غنا را به ارمغان آورده است. در مقابل، پیوندهای ناهمگون و تحمیلی، ناموفق و خسارت‌بار بوده است. با کمال تأسف باید بگویم که گروه‌های فروماپه‌ای مثل داعش، زاینده این‌گونه وصلت‌های ناموفق با فرهنگ‌های وارداتی است.»

ردیف	موضوع	محور	مستندات
۵	نابرابری و تبعیض در غرب	تهدید: ایجاد عقده و نفرت و خشونت	« شاید نفرت عمیقی که طی سال‌های شکوفایی صنعتی و اقتصادی، در اثر نابرابری‌ها و احياناً تبعیض‌های قانونی و ساختاری در دل اقشاری از جوامع غربی کاشته شده، عقده‌هایی را ایجاد کرده که هر از چندی بیمارگونه به این صورت گشوده می‌شود».
۶	واکنش‌های عجولانه در مبارزه با تروریسم	تهدید: عمیق‌تر شدن فاصله‌ها و وسیع‌تر شدن کدورت‌ها و افزایش بحران‌ها در آینده	« اشتباه بزرگ در مبارزه با تروریسم، واکنش‌های عجولانه‌ای است که گسست‌های موجود را افزایش دهد. هر حرکت هیجانی و شتاب زده که جامعه مسلمان ساکن اروپا و آمریکا را که متشکل از میلیون‌ها انسان فعال و مسئولیت‌پذیر است، در انزوا یا هراس و اضطراب قرار دهد و بیش از گذشته آنان را از حقوق اصلی شان محروم سازد و از صحنه اجتماع کنار گذارد، نه تنها مشکل را حل نخواهد کرد بلکه فاصله‌ها را عمق، و کدورت‌ها را وسعت خواهد داد. تدابیر سطحی و واکنشی — مخصوصاً اگر وجهت قانونی بیابد — جز اینکه با افزایش قطب بندی‌های موجود، راه را بر بحران‌های آینده بگشاید، ثمر دیگری نخواهد داشت.
۷	تعامل صحیح و شرافتمندانه با دنیای اسلام	فرصت: به وجود آمدن اعتماد، امنیت و امید به آینده‌ای روشن	« بنابراین من از شما جوانان می‌خواهم که بر مبنای یک شناخت درست و با ژرف‌بینی و استفاده از تجربه‌های ناگوار، بنیان‌های یک تعامل صحیح و شرافتمندانه را با جهان اسلام پی‌ریزی کنید. در این صورت، در آینده‌ای نه‌چندان دور خواهید دید بنایی که بر چنین شالوده‌ای استوار کرده‌اید، سایه اطمینان و اعتماد را بر سر معمارانش می‌گستراند، گرمای امنیت و آرامش را به آنان هدیه می‌دهد، و فروغ امید به آینده‌ای روشن را بر صفحه گیتی می‌تاباند».

اداره
پژوهش‌ها
خبری
معاونت خبر

۷- برخی از مهم‌ترین مصادیق و موارد مرتبط با تروریسم در نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان غربی:

- ۱- حادثه تروریستی اخیر در فرانسه
- ۲- حوادث تروریستی در فلسطین و عراق و لبنان و سوریه
- ۳- شهرک سازی‌های رژیم صهیونیست
- ۴- به گلوله بستن بانویی در وسط خیابان فقط به جرم اعتراض به سرباز تا دندان مسلح
- ۵- ایجاد یا تقویت و تسلیح القاعده، طالبان و دنباله‌های شوم آنان توسط آمریکا
- ۶- پشتیبانی از حامیان آشکار و شناخته‌شده تروریسم تکفیری
- ۷- پشتیبانی از تروریسم دولتی اسرائیل
- ۸- لشکرکشی‌های سال‌های اخیر به دنیای اسلام
- ۹- مقررات وضع شده در اروپا درباره جاسوسی شهروندان علیه مسلمانان
- ۱۰- به وجود آمدن گروه‌های فرومایه‌ای مانند داعش
- ۱۱- جان دادن کودک در برابر دیدگان عزیزانش
- ۱۲- مادری که شادی خانواده‌اش به عزا مبدل می‌شود
- ۱۳- شوهری که پیکر بی‌جان همسرش را شتابان به سوی می‌برد
- ۱۴- تماشاگری که نمی‌داند تا لحظاتی دیگر آخرین پرده نمایش زندگی را خواهد دید